**بسم الله الرّحمن الرّحیم**

**پاسخ به شبهات- جناب آقای دکتر قندهاری**

**قسمت اول -شبهه اول:**

**دلیل عقیل باورشیعه به امام زمان عج چیست ؟“**

یکی ازسؤالات و پرسشهائی که در فضاهای حضوری و مجازی در خصوص اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام که فقط مختص کشور ما هم نیست کلاً در فضای مجازی این عقیده و این سؤال مطرح است نسبت به اعتقاد حضرت مهدی علیه السلام با راسیونالیته یعنی عقل گرائی است .

 جوانان امروز خیلی دغدغه عقل گرائی دارند. لذا می خواهند ببینند که آیا می توانند این عقیده را برمبنای عقل گرائی پایه ریزی کنند . یا اینکه عقیده مهدویت یک عقیده صرفاً نقلی و درون دینی است .

**مثال :** اعتقاد به خدا بر پایه های برهان و استدلال استوار است . یعنی از زمان یونان باستان حکما و فلاسفه دلائل مختلف در اثبات وجود خدا تا زمان حاضر اقامه کرده اند . لذا هر کس که به خدا معتقد است این اعتقاد برای او نوعی برهان و آرگومنت دارد و پایه عقلانی دارد . به همین جهت در طول تاریخ بین دو جناح معتقد به خدا و جناح آتئیست ( منکر خدا ) مناظراتی بوده و این مناظرات بر پایه برهان و استدلال بنا شده بوده است .

آیا عقیده مهدویت از این نوع است ؟ یا اینکه مانند اعتقاد به بهشت و جهنم ، پل صراط ، اعتقاد به جزئیات احکام شرعی که نماز دو رکعت است ، نماز مغرب سه رکعت است ، این نجس است ، آن پاک است ، آن حلال است ، آن حرام است یک عقیده صرفاً نقلی است؟ تفاوت آن در چیست ؟

تفاوت آن این است که ما در این زمینه آیا بایستی آیه و حدیث بیاوریم یا اینکه می توانیم برهان عقلی هم در این جهت اقامه کنیم . به هر صورت عقیده ما در برخورد با مهدویت ، عقیده عقلی است یا عقیده درون دینی است ؟

در مقام جواب می گوئیم گرچه عقیده مهدویت به طور خاص یعنی مهدویت اسلامی ، یک عقیده درون دینی و نقلی است ولی این اعتقاد به صورت یک عام و کل ، یعنی اگر این را به صورت اعتقاد به منجی آخرالزمان ببینیم یک عقیده ایست کاملاً برون دینی بر مبنای عقلانیت و پایه های راسیونالیته ، اصلاً عقیده درون دینی خاص مذهب اسلام نیست بلکه پایه های عقل گرائی و عقلانیت دارد .

در حدود شش ماه پیش پنجاه نفر از اساتید دانشگاه در ترکیه ، روی یک جهات ، رقابتهای سیاسی یک اعلامیه و متحدالمحالی صادر کردند بر ردّ عقیده مهدویت و اینکه این عقیده با عقلانیت فاصله دارد . به یک صورتی بنده در مقام نقد و بررسی آن نظریه قرار گرفتم و طی هشت جلسه به مطالبی که در آن مقاله آمده بود ، پاسخ دادم . میخواهم بگویم این مسأله یک سؤال مطرح در جامعه ما است .

در مقام جواب می گوئیم کلیّت اعتقاد به منجی پایه های عقلانی دارد و یک امری برون دینی است . امّا عقیده مهدویت در اسلام یا در تشیع یک عقیده درون دینی است امّا بر آن پایه های برهانی و عقلی . عقلانیت مهدویت از سه جهت قابل توجه است :

**1-**اعتقاد به منجی آخرالزمان در همه ادیان و مذاهب بر پایه حسن اعتقاد به عدالت است . یعنی همه دنبال عدالت و نارسائی از این جهان هستند . و این نکته ای است که عقل عملی همه انسانها به عدالت علاقمند است . کانت فیلسوف شهیر آلمانی می توانیم بگوئیم ملاصدرای عالم غرب بعد از رنسانس است . ایشان تفکیک به عقل نظری و عقل عملی کرده است و رویکردهای اخلاقی و حسن و قبه انسان به نفی ظلم و توجه به عدالت را یک نوع عقل عملی در نظر می گیرد . این مطالب در اندیشه های ابن سینا هم هست .

عقیده مهدویت یا رویکرد منجی گرائی در همه ادیان که از آن تعبیر به رویکرد منجی گرائی می کند یک رویکرد عقل عملی است . چون انسان طبیعتاً علاقمند به عدالت و متنفر از ظلم و بیداد است .

به شخص منجی چطور ارتباط دارد ؟ گفتیم که این پایه عقیده منجی گرائی است . منجی برای چه بیاید ؟ برای اینکه عدل و داد را به پا کند .

**2-**جامعه بشری در طول زمان روز به روز از حالت تفرّق و انفراد در می آید و عقل جمعی مردم دنیا احساس نیاز به این می کند که به سوی جهان وطنی حرکت کند یعنی به سوی یونیولسالیته بخواهد حرکت کند . ببینید سازمان ملل متحد ، منشور جهانی ملل متحد ، سازمان یونسکو ، اعلامیه حقوق بشر، سازمان جهانی بهداشت و و و دهها سازمان جهانی دیگر که امروزه در دنیا ایجاد شده و روز به روز هم در حال افزایش است. این روی چه جهتی است ؟

روی احساس اینکه دنیا باید یک پارچه شود . دنیا باید سامان واحدی داشته باشد . اگر بخواهد این دنیا باقی باشد و تداوم پیدا کند باید از تفرقه و از انفراد گرائی کاسته شود و حالت و روح جمعی و حاکمیت جمعی و اینکه ما دنیا را برایش یک سرنوشت کلی و جمعی قائل باشیم ، باید به این سو حرکت کنیم و این نکته ای است که بهترین پایانش عقیده به دولت جهانی منجی آخرالزمان است .این عقلانیت دومی است که ادیان در این سو و اسلام خاصتاً در عقیده مهدویت این عقلانیت را پاسخ می دهند .

**سؤال :** شاید به منجی خیلی اهمیت نمی دهند می گویند دموکراسی بیشتر در سطح جهانی و جهان وطنی و بخواهند بگویند دموکراسی و یا خرد جمعی بخواهد کار کند ؟

**پاسخ :** عقیده به دموکراسی مربوط به این دوران نیست . عقیده به دموکراسی برای قرن ششم قبل از میلاد برای یونان باستان است . این احساس جهان وطنی و اینکه این جهان را ما با هم جمع کنیم و با هم فکر کنیم و همکاری داشته باشیم برای دهه های اخیر است و این روز به روز افزایش می یابد . بحث دموکراسی مربوط به بحث قبل است که مسأله عدالت بود .

**سؤال** : این را در بستر حکومت دموکراسی می بینند نه در بستر یک نفر یا یک شخص؟

**پاسخ :** ما حکومت آن فرد یا شخص را حکومتی برپایه عدل و داد می دانیم . یعنی بیشترین تعبیری که در روایات مهدویت در شیعه و اهل سنّت تکرار شده و جزو مشترکات فرهنگ اسلامی است : این است که «یَمْلَأُ اللهُ به الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً»

3**-**سومین بعد عقل گرائی در بنیاد های فکر مهدویت گرایش همه ادیان و اعتقاد همه ادیان چه ادیان وحیانی و چه ادیان غیروحیانی ، ادیان وحیانی مثل اهل کتاب و اسلام یعنی یهود ، مسیحیت ، آئین صابئین و زرتشت ( مجوس ) و اسلام این پنج آئین آسمانی هستند . و آئین های غیر وحیانی مانند بودیسم ، هندوئیسم ،جینیسم ، تائو ، شینتو . تمامی اینها به منجی آخر الزمان معتقد اند . و این نقطه اشتراک در ادایان در این زمینه از مطالعات بسیار زیبا در مسائل و مطالعات فوتوریستی است .

یعنی مطالعه در آینده سرنوشت این عالم . به همین جهت به این اصل مشترک همه ادیان تعبیر به مسیانیسم یعنی اعتقاد به مسیا ، اعتقاد به منجی آخرالزمان . مسیانیسم در آئین یهود فردی است به نام ماشیَح از نسل حضرت داوود . در آئین مسیحیت خود حضرت عیسی علیه السلام است که از آسمان در آخرالزمان به پائین می آید . در آئین زرتشت شخصیتی است از نسل حضرت زرتشت به نام سوشیانس که معابد زرتشتی تهران ، یک جزوه ای در بشارات به سوشیانس در مکتوبات آئین زرتشتی دارند . اسلام هم بحث مهدویت است .

در آئین های بت پرستی شرق آسیا و یا شرق دور مانند هندو شخصیت منجی در فردی به نام کالکی متبلور می شود . لذا در همه ادیان یک فرهنگ مشترکی در اعتقاد به منجی آخرالزمان وجود دارد و شما دینی ندارید که در آن این اعتقاد وجود نداشته باشد . آدین

اگر در یک کنفرانس بین الادیانی باشیم ما نماینده های همه ادیان را به آنجا دعوت کنیم بعد گوینده بی توجه به این که اینها مسلمان نیستند

بیاید و در نیمه شعبان درباره حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه قرآن و روایات صحبت کند نود درصد هر آنچه را گوینده ما می گوید مورد اعتقاد همه آنها هست یعنی عقل جمعی بشر و اعتقاد عمومی بشر است . بنابراین در اعتقاد به مهدویت ما شیعیان تنها نیستیم ، اهل سنّت هم هستند تفاوت جزئی است . تفاوت صغروی است نه کبروی !!! در این اعتقاد ما مسلمان ها تنها نیستیم . آئین های اهل کتاب با ما هستند . آئین های خاور دور با اینکه اینها آئین های آسمانی با ما نیستند با ما همراهند . برخی از مکاتب فلسفی در این اعتقاد با ما همراهند .

لذا افلاطون آورنده دینی نیست . آورنده نظریه یوتوپینسم ( آرمان شهر ) است و یک مدینه فاضله ای را تصویر کرده است که در آینده برای بشر رخ می دهد و این را به تصویر کشیده است . در بین فلاسفه ما ابونصر فارابی پدر فلسفه اسلامی کتابی تحت عنوان آراء اهل المدینة الفاضله و این عقیده به آرمان به شهر را از منظرفلسفی و مبانی عقل گرائی در آثار فلسفی خودش تصویر کرده است .

لذا عقیده مهدویت نه فقط دور از عقل گرائی و راشنالیته و عقل عصری انسان امروز نیست بلکه از سه چهار منظر که عرض کردیم به طور کل بر پایه عقل گرائی استوار است .

**خلاصه عناوین :**

**1-**اعتقاد به مهدویت ریشه اش عدالت گرائی و لزوم اجرای عدل و عدالت در سرانجام این دنیاست .

**2**-بشر نیازمند به زندگانی جهانی است . باید از کشورها و ملت ها و مرزها حذر کند و به جهان وطنی برسد . دنیا یک کشور ، یک ملت ، بدون مرز ، یک پرچم ، یک فرهنگ بخواهد دنیا را اداره کند . این رمز بقا و تداوم بشر است .

**3-**فلاسفه بزرگ اینها قائل به یوتوپینیسم یعنی آرمان شهر و مدینه فاضله و جهان وطنی هستند که مثال آن را در افلاطون گفتیم .

**4-**همه ادیان ولو ادیان غیر وحیانی تماماً به نوعی میسیانیسم یعنی اعتقاد به منجی معتقد هستند.

**التماس دعای فرج**

ن

پ